



راهکارهای توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)

سید محمدرضا موسوی^۱، فرزانه دشتی^۲

چکیده:

شاخص اصلی توانمندسازی زنان، مشارکت سیاسی در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. مشارکت سیاسی زنان صرفاً به منزله‌ی شرکت آنان در انتخابات و رأی دادن نیست، بلکه به معنای آن است که زنان در تمامی نهادهای دموکراتیک نقش فعال و مؤثر داشته باشند. این پژوهش با هدف ارائه راهکارهای توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. در واقع در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال اصلی است: «راهکارهای توانمندسازی زنان برای نقش‌آفرینی در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟». روش تحقیق به کار رفته در پژوهش کیفی بوده و گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار مصاحبه صورت پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید شاغل در دانشکده‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و حقوق است. نمونه آماری تعداد ۱۵ نفر از این اساتید بودند. نتایج داده‌ها بعد از تحلیل تماتیک نشان داده که تم‌های اصلی دولت حامی، آموزش نوین، اصلاح قوانین، نهادهای مدنی، همراهی رسانه‌ها و الگوگیری از راهکارهای مؤثر بر توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و مدیریتی است.

واژگان اصلی: زنان، توانمندسازی، مشارکت سیاسی، تصمیم‌گیری سیاسی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده اصول دین، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی یک جنبه حیاتی برای دستیابی به برابری جنسیتی و تقویت حکمرانی فراگیر است. این پدیده صرفاً یک امر انصافی نیست، بلکه برای بازنمایی مؤثر دیدگاه‌های گوناگون در نهادهای سیاسی ضروری است (گونزالس مارابت،^۱ ۲۰۲۳). مشارکت زنان در سیاست، بحث‌های سیاستی را غنی می‌کند و به راه حل‌های جامع تری برای مسائل اجتماعی می‌انجامد. از لحاظ تاریخی، زنان با موانع متعددی برای مشارکت سیاسی از جمله هنجارهای فرهنگی، قوانین تبعیض آمیز و چالش‌های اجتماعی-اقتصادی مواجه بوده‌اند. غلبه بر این موانع برای ایجاد یک محیط دموکراتیک عادلانه ضروری است. ابتکاراتی مانند سهمیه‌بندی جنسیتی، برنامه‌های مربیگری و کمپین‌های آگاهی عمومی می‌تواند به طور قابل توجهی نمایندگی زنان را در عرصه‌های سیاسی افزایش دهد. چنین اقداماتی نه تنها ورود زنان به سیاست را تسهیل می‌کند، بلکه ادراکات سستی از نقش‌های رهبری را نیز به چالش می‌کشد (احمد و همکاران، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، نشان داده شده است که گنجاندن زنان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری نتایج مثبتی برای حکومت به همراه دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که رهبران زن اغلب مشارکت‌کننده‌تر، به مسائل اجتماعی توجه دارند و به سیاست‌هایی که رفاه جامعه را ارتقا می‌دهند، متعهد هستند. بنابراین، توانمندسازی زنان در نقش‌های سیاسی نه تنها موضوع دستیابی به برابری جنسیتی است، بلکه یک ضرورت استراتژیک است که کارایی کلی نظام‌های سیاسی را افزایش می‌دهد (محمد و آینالم،^۲ ۲۰۲۳).

این نظریه که زنان از انگیزه‌ی پیشرفت کمتری نسبت به مردان برخوردارند، نمی‌تواند دستاویز درستی برای در حاشیه قرار دادن زنان قلمداد گردد و باید پذیرفت جامعه‌ای که به نیرو و توانمندی‌های نیمی از جمعیت خود بی‌توجه باشد، علاوه بر این که به ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد معنوی و فرهنگی آنان پشت کرده، به یکی از موارد اساسی در زمینه‌ی پیشرفت و تعالی نیز بی‌اعتنا بوده است. جمله معروفی است که می‌گوید: «اگر یک مرد را آموزش دهیم تنها یک انسان را آموزش داده‌ایم اما اگر یک زن را آموزش ببیند یک خانواده را آموزش داده‌ایم و وقتی یک خانواده آموزش ببیند، ما برای آینده سرمایه‌گذاری کرده‌ایم» (ساعی ارسى و ولی‌پور، ۱۳۸۸: ۷۰).

¹ Gonzalez-Malabet

² Ahmad

³ Muhammed & Ayenalem

در واقع یکی از چالش‌های اساسی در فرآیند دموکراتیزاسیون، حضور کم رنگ زنان در سطح رهبری سیاسی و در جایگاه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در تمام دنیا است (حاجی‌پور ساردویی و مقصودی، ۱۳۹۵: ۱). از این رو یکی از شاخص‌های اساسی توسعه پایدار، توانمندسازی زنان در فرآیند تصمیم‌گیری‌های ملی است. بیش از دو دهه از طرح موضوع زنان در توسعه در سطح بین‌المللی می‌گذرد. پیامد آن در کشورهای مختلف جهان نهادهای خاصی از دفتر تا وزارتخانه را برای نهادی شدن امور زنان و بررسی نیاز و شرکت آن‌ها در حیات جامعه تشکیل داده است. بر این باوریم که برنامه‌های توسعه بدون حضور زنان بی‌معناست و از سویی بر اساس دستاوردها، مشخص است که زنان باید در فرآیند توسعه، مشارکت برابر داشته باشند ولی نکته اساسی آن است که ماهیت گسترده مشارکت سیاسی زنان از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و فقط با شناخت عمیق و همه‌جانبه فرهنگ‌ها نیل به آن میسر است (ابطحی، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۰ و ۶۵). قدرت واقعی زنان، مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاسی است. نه صرفاً در فعالیت‌های اجتماعی؛ زیرا دوری آنان از مراکز تصمیم‌گیری سیاسی، آن‌ها را از مراکز تصمیم‌گیری اجتماعی و اقتصادی هم دور می‌کند. مشارکت زنان در حاکمیت و قدرت، تحقق حقوق انسانی آن‌ها را بی‌واسطه تضمین می‌کند. مشارکت سیاسی از حقوقی منتج می‌شود که شامل تصمیم‌گیری سیاسی است. اما به رغم این واقعیت که زنان به‌طور طبیعی دست‌کم نیمی از جمعیت هر کشوری را تشکیل می‌دهند، غیرعادی نیست دریابیم که زنان عملاً از مشارکت سیاسی در بسیاری از قسمت‌های دنیا به خاطر جنسیتشان محروم شده‌اند و اغلب تقویت شده‌اند تا ناظرانی صرف باشند تا شرکت‌کنندگانی فعال. در حالی که مشارکت زنان در همه‌ی فعالیت‌های سیاسی یک ضرورت است، به نحوی که می‌توان گفت اگر زنان در حوزه سیاسی، اقلیتی به شمار آیند، دموکراسی ناتمام است (قاسمی و معالی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). لذا بدون در نظر گرفتن نیمی از سرمایه جامعه (زنان) به توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار نمی‌توان دست یافت. واقعیت این است که ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که مقبولیت و مشروعیت دولت‌ها با میزان مشارکت اجتماعی مردم به ویژه زنان سنجیده می‌شود. تجربه جهانی ثابت کرده که حضور زنان در عرصه عمومی و سطوح تصمیم‌گیری به اصلاح نظام اداری و بهبود کیفیت خدمات دولتی در کشورهای در حال توسعه کمک شایانی کرده است (ساعی ارسی و ولی‌پور، ۱۳۸۸: ۶۸).

ایران به لحاظ مشارکت زنان در مدیریت به عنوان سررشته‌داران الگوی جامع زندگی با توجه

به حضور موثر در ساختارهای تصمیم‌سازانه وضع نامساعدی دارد، زیرا بانوان در قیاس‌هایی مانند نسبت درصدی کرسی‌های پارلمانی در اختیار زنان، نسبت درصدی زنان مدیر در مجموعه مدیران کشور، نسبت درصدی زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه‌ی شاغلان متخصص کشور و نسبت درصدی سهم زنان از درآمد تحقق‌یافته، اوضاع مناسبی ندارند و در مقیاس دسترسی به ساخت قدرت، بسیار ضعیف هستند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۳ به نقل از: حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶).

بنابر گزارش جهانی شاخص شکاف جنسیتی، ایران در سال ۲۰۱۸ در شاخص شکاف جنسیتی در بین ۱۴۹ کشور با امتیاز ۰/۵۹۸ در رتبه ۱۴۲ قرار گرفته است. در مقایسه با گزارش جهانی شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۴، جایگاه ایران از ۱۳۷ به مرتبه ۱۴۲ رسیده است. اما شاخص شکاف جنسیتی ایران در گزارش سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ با تناوب با تغییرات افزایشی و کاهشی مواجه بوده و در سال ۲۰۱۲ میزان آن به ۰/۵۹۳ و در نهایت در سال ۲۰۱۸ به ۰/۵۹۸ رسیده است؛ یعنی رقمی کمتر از آنچه در گزارش ۲۰۰۷ اعلام شده بود؛ بنابراین، در تغییرات شکاف جنسیتی در ایران، نوعی عقب‌گرد یا حداقل ایستایی از میانه دهه گذشته در کاهش نابرابری‌های جنسیتی مشاهده می‌شود. بهترین رتبه در شاخص شکاف جهانی جنسیتی در سال ۲۰۱۸ مربوط به بخش آموزش (دستیابی به آموزش) است که ایران در بین ۱۴۹ کشور در رتبه ۱۰۳ (امتیاز ۰/۹۶۹) قرار گرفته است. پس از آن، بهترین رتبه ایران با قرار گرفتن در رتبه ۱۲۷ مربوط به بخش سلامت است (آخوندی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین گزارش دفتر توسعه انسانی سازمان ملل متحد (۲۰۲۰) درباره اقدامات کشورهای عضو در زمینه میزان پایبندی و اهتمام دولت‌ها در تحقق اهداف برنامه‌های توانمندسازی جنسیتی و مشارکت‌دهی زنان در سیاست نشان می‌دهد حضور زنان در عرصه سیاسی و ساختار قدرت، کمتر از مردان است که شاید مهم‌ترین علت آن، مردسالارانه بودن ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه و محدودیت‌های عرفی و شرعی باشد که مانع از حضور پررنگ و چشم‌گیر زنان در عرصه‌های گوناگون می‌شود و مهم‌تر از همه، نگرش جامعه درباره حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف، میزان مشارکت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پالمر و سیمون، ۲۰۱۸). با توجه به آمار موجود و مطالب ذکر شده هدف از این مقاله ارائه راهکارهای توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی است.

پیشینه پژوهش

اخوندی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش "آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی زنان شهر تهران بر اساس نظریه زمینه‌ای" با هدفه زن ساکن شهر تهران مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام دادند. پس از تحلیل داده‌ها، ۸۵ کد اولیه، هفت مقوله محوری و یک مقوله هسته از خلال نظام کدگذاری داده‌ها استخراج شد: شرایط علی (مسائل و چالش‌های اقتصادی، حکمرانی برابر محور)، شرایط زمینه‌ای (ساختار سیاسی نابرابر و چالش‌های مردسالارانه)، شرایط مداخله‌گر (عوامل شخصیتی-روحي)، راهبردها (شایسته‌سالاری و ایجاد بستر شکوفایی) و پیامدها (کنشگری فعال سیاسی زنان و طرد انفعال سیاسی). یافته‌ها بر این دلالت دارند که زنان در مشارکت سیاسی عاملان و کنشگرانی فعال بوده و دست به کنش‌های مبتنی بر زمینه‌های سیاسی می‌زنند.

حیدری ساربان (۱۴۰۰)، در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل اثرات توانمندی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان تبریز)»؛ در پی تبیین اثرات توانمندسازی اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی شهرستان تبریز است. این تحقیق از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی و با استفاده از روش پیمایش صورت پذیرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان با ارتقای مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایت‌مندی و مسئولیت‌پذیری زمینه‌ی مشارکت سیاسی زنان روستاییان روستایی را بهبود بخشید تا با آنان به عاملیت و آمریت فردی در تعیین سرنوشت اجتماعی خودشان پی برده و به تداوم آن همت گمارند.

کشاورزی و شمشیری (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان «الگوی کاربردی توسعه‌ی توانمندسازی زنان جامعه‌ی ایرانی: یک پژوهش ترکیبی»، به دنبال تدوین الگویی کاربردی در توسعه‌ی توانمندسازی زنان شایسته در جامعه ایران هستند. ضمناً روش پژوهش در بخش کیفی مطالعه موردی و مشارکت‌کنندگان بالقوه این پژوهش شامل متخصصان و اعضای هیئت علمی و همچنین زنان نمونه استان فارس بوده‌اند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری پانزده نفر از متخصصان و ده نفر از زنان نمونه و پنج نفر از زنان نمونه شهر که تصدی مدیریت داشتند، برای این پژوهش انتخاب شدند. براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش؛ توانمندسازی زنان در جامعه‌ی کنونی به بینشی جامع از محیطی که در آن زندگی می‌کند و به ایفای نقش می‌پردازد نیاز دارد.

محمد و آینالم (۲۰۲۳) در پژوهش "مشارکت سیاسی زنان در سطح محلی در اتیوپی: آیا تعداد واقعاً مهم است؟" سطح نمایندگی سیاسی زنان و این که چگونه بر مشارکت اساسی آنها در دو دولت محلی در ایالت آمهارا منطقه‌ای در اتیوپی تأثیر می‌گذارد را بررسی می‌کنند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که زنان به اندازه کافی در شوراهای دو دولت محلی حضور دارند. مهم‌تر از آن، نفوذ زنان منتخب در فرآیندهای تصمیم‌گیری، به ویژه در بحث‌های گروهی افزایش یافته است. تأثیر آنها بر شوراها و به طور کلی دولت‌های محلی بسیار چشمگیر شده است. اگرچه هنوز مسائلی وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود، اما زنان در حکومت محلی در صحنه سیاسی بیشتر نمایان می‌شوند. در نتیجه تعداد نمایندگان زن در شوراها ارتباط مستقیمی با مشارکت سیاسی آنها دارد. با افزایش تعداد آنها، قدرت تصمیم‌گیری و نفوذ آنها افزایش می‌یابد.

گونزالس مالابت (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان "مشارکت سیاسی زنان از طریق جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی: مورد سازش کیودادانو در مدلین، کلمبیا" نشان می‌دهد که چگونه مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی (NGO) بر مشارکت سیاسی فعالان زن تأثیر می‌گذارد. این نشان می‌دهد که چگونه زنان از جنبش اجتماعی کمپرامیسو کیودادانو^۱ با موفقیت برنامه‌های مترقی از پایین به بالا را برای تحول دموکراتیک مدلین، کلمبیا رهبری کردند. این مطالعه از تجربیات دست اول زنانی که در یک گروه متمرکز و در مصاحبه شرکت کردند، استفاده می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، عاملیت زنان را در مشارکت سیاسی، به صورت فردی و جمعی تقویت می‌کند. این نوع مشارکت مردمی، مشارکت زنان را در سیاست رسمی افزایش می‌دهد و پلهایی را بین دولت‌های محلی و رهبران و جنبش‌های مردمی زن ایجاد می‌کند.

احمد و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش "زنان در دموکراسی: مشارکت سیاسی زنان" به بررسی مشارکت سیاسی زنان در یک جامعه تفکیک جنسیتی می‌پردازد که در آن زنان دارای موقعیت اجتماعی نامتناسب در یک فرهنگ و نظام سیاسی به شدت مردسالار هستند. زنانگی، جامعه‌پذیری سیاسی، علاقه سیاسی، کارآمدی سیاسی و فرهنگ سیاسی مردسالارانه به عنوان پیش‌بینی‌کننده برای ارزیابی مشارکت سیاسی زنان در نظر گرفته شد. برنامه‌های مصاحبه ساختاریافته با ۴۱۴ رای‌دهنده زن از استان پنجاب در پاکستان، اجرا شد. نتایج نشان داد که

^۱Compromiso Ciudadano

پیش‌بینی‌کننده‌ها ۵۸/۳ درصد از واریانس مشارکت سیاسی رای‌دهندگان زن در پنجاب را توضیح می‌دهند. با این حال، دو سازه از زنانگی: اخلاق و وفاداری در مدل بارگذاری نشده است. ویژگی‌های غالب و طراحی شده اجتماعی که زنان باید در جامعه پاکستان داشته باشند عبارتند از: فرزندآوری و تربیت، عشق و مراقبت از والدین/شوهر، خانه‌داری، تسلیم بودن، انفعال و وابستگی. اینها درونی می‌شوند، بدیهی تلقی می‌شوند و در فرهنگ، ساختار اجتماعی و سازمان اجتماعی جامعه پاکستان گنجانده می‌شوند.

مبانی نظری

بحث در مورد اهمیت گنجاندن زنان در زندگی سیاسی بر اساس استدلال‌های عدالت و برابری ارائه شده توسط ادبیات بنا شده است. اول از همه، زنان باید دسترسی برابر به تصمیم‌گیری سیاسی داشته باشند، زیرا نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و تجربیات، ارزش‌ها و علایق زنان با مردان که باید در سطح سیاسی نمایندگی شوند، متمایز است. محققان همچنین تأثیرات حضور سیاسی زنان را بر نتایج سیاست‌ها و همچنین اهمیت نمایندگی زنان برای مشروعیت نهادهای سیاسی برجسته می‌کنند. در این راستا، تعدادی از مطالعات ارتباط مثبتی را بین مشارکت زنان در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و رشد اقتصادی، توسعه، حکمرانی خوب و کاهش فقر ثبت کرده‌اند (جاپاریدز،^۱ ۲۰۲۱).

برابری جنسیتی پیش‌نیازی برای عملکرد مؤثر هر جامعه‌ای است که در آن دولت‌ها و نهادهای ملی پاسخگو به نیازهای شهروندان خود هستند. با این حال، نمایندگی و مشارکت سیاسی برابر زنان همچنان یک چالش جهانی طولانی مدت است، زیرا فقدان برابری جنسیتی در رهبری سیاسی یکی از مشهودترین و مبرم‌ترین مسائل در بسیاری از کشورها است. صرف نظر از دستاوردهای چشمگیر به دست آمده، زنان هنوز به طور قابل توجهی در هر بخش از جهان، به جز کشورهای معدودی، کمتر حضور دارند. از مجموع کشورهای جهان، در حال حاضر، تنها ۱۰ کشور دارای رئیس‌جمهور زن و ۱۳ کشور - رئیس‌دولت (زنان سازمان ملل متحد،^۲ ۲۰۲۱) هستند. با این وجود، در سال ۲۰۲۱ میانگین جهانی زنان در مجلس قانونگذاری به بالاترین حد

¹ Japaridze

² UN Woman

خود یعنی ۲۵,۴ درصد رسید که به وضوح نشان می‌دهد که هنوز راه زیادی برای دستیابی به برابری جنسیتی در سیاست در سطح جهانی وجود دارد (اتحادیه بین پارلمانی^۱، ۲۰۲۱).

توانمندسازی سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های چارچوب توانمندسازی، زنان را قادر می‌سازد تا از طریق مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری، سلطه مردان در عرصه سیاسی را به چالش بکشند. علیرغم اینکه این روند تجربی به تعداد فزاینده زنان در سیاست و محوریت هنجاری موضوع اشاره می‌کند، ادبیات در مورد توانمندسازی سیاسی زنان هنوز کمیاب است. علاوه بر این، عدم وجود تعاریف روشن و شاخص‌های اندازه‌گیری، از چالش‌ها و پیشرفت محدود در فونت تجربی سخن می‌گوید (هانمر و کلاگمن^۲، ۲۰۱۶).

در طول سال‌های گذشته، محققان تلاش کرده‌اند تا از طریق مفهوم‌سازی و توسعه اقدامات تجربی برای درک ماهیت چندوجهی نمایندگی زنان در حوزه‌های مختلف، روشنی بیشتری بر مشارکت زنان در زندگی سیاسی بیفکنند. مؤسسه ویدم (V-Dem) در دانشگاه گوتنبرگ، یک رویکرد سه بعدی مبتنی بر انتخاب، عاملیت و مشارکت را ارائه کرده است و توانمندسازی سیاسی زنان را به عنوان «فرآیند افزایش ظرفیت برای زنان، که منجر به انتخاب، عاملیت و تصمیم‌گیری اجتماعی بیشتر می‌شود» تعریف کرده است (ساندسروم^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). همانند تعاریفی که قبلاً توسط محققان برجسته ارائه شد، انتخاب مجدداً یکی از مؤلفه‌های اصلی در این چارچوب را تشکیل می‌دهد. آزادی انتخاب شامل تمام آزادی‌های حیاتی، از جمله آزادی بیان، تشکل و اجتماع، حق رای، انتخاب شدن در نهادهای عمومی، تصدی پست‌های عمومی، پیوستن به سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌ها می‌شود.

مؤلفه دوم عاملیت است، جزء تفکیک‌ناپذیر مفهوم، که علاوه بر تعریف کابیر^۴ (۱۹۹۹) بیشتر توضیح داده شده است و با توانایی داشتن یک صدا در هم تنیده است. این به معنای توانایی زنان برای صحبت آزادانه و بیان عقاید سیاسی از طریق فعالیت‌های مدنی، مشارکت در گروه‌های سیاسی یا سازمان‌های جامعه مدنی (CSOs) است. مؤلفه سوم مشارکت به معنای ورود به عرصه سیاسی و تصدی مناصب دولتی است که شامل نمایندگی تشریحی زنان در مجامع

¹ Inter-Parliamentary Union

² Hanmer and Klugman

³ Sundstrom

⁴ Kabbeer

قانونگذاری کشور است (جاپاریدز، ۲۰۲۱).

گروه دیگری از محققان دیدگاه گسترده‌تری از توانمندسازی سیاسی زنان را پیشنهاد می‌کنند و آن را به عنوان «افزایش دارایی‌ها، قابلیت‌ها و دستاوردهای زنان برای به دست آوردن برابری با مردان در تأثیرگذاری و اعمال اقتدار سیاسی در سراسر جهان» تعریف می‌کنند (الکساندر، بولزندانل و جلال زی، ۲۰۱۶). این تعریف با درک نظری کایبر (۱۹۹۹) مطابقت دارد زیرا عاملیت زنان و فرآیند تحول آفرین را به عنوان نقطه شروع می‌گیرد و بیشتر چارچوبی انتقادی ایجاد می‌کند که سه دسته از بازیگران توانمند سیاسی را متمایز می‌کند: زنان دارای مناصب سیاسی - بازیگران نخبه، مخالفان انتقادی بازیگران نخبه - بازیگران جامعه مدنی و شهروندانی که از طریق رأی دادن و تبلیغات در سیستم سیاسی شرکت می‌کنند. با این حال، یکی از جزئیات مهم در اینجا نه تنها وجود انگیزه‌های خود زنان برای مشارکت سیاسی است، بلکه افزایش اعتماد به نفس در توانایی‌های خود برای ایجاد تغییر است، که همچنین به افزایش کلی باور زنان به توانایی آنها برای حکومت کمک می‌کند (الکساندر، ۲۰۱۲؛ الکساندر، بولزندانل و جلال زی، ۲۰۱۶).

علیرغم چارچوب قانونی گسترده بین‌المللی با هدف حمایت از حقوق و آزادی‌های زنان و تعداد فزاینده‌ای از کشورهای امضاکننده که متعهد به پایبندی به اصول برابری جنسیتی هستند، هنوز موانع عمده‌ای وجود دارد که زنان را برای مشارکت فعال در زندگی عمومی محدود می‌کند. علت اصلی این مشکل پیچیده و چندوجهی است، از جمله موانع ساختاری و نهادی موجود. موانع ساختاری شامل عوامل اجتماعی-اقتصادی، مانند زمینه اجتماعی و اقتصادی، بهداشت و آموزش است که یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده و اغلب موانع برای توانمندسازی زنان است (اینگلهارت و نوریس، ۲۰۰۳). محققان ارتباط بین وضعیت اقتصادی و منابع مالی زنان از یک سو و مشارکت آنها در فرآیندهای سیاسی و انتخاباتی از سوی دیگر را نشان داده‌اند (بالینگتون، ۲۰۰۳، ویدو، ۲۰۰۷).

این امر با این واقعیت توضیح داده می‌شود که کشورهایی که توسعه اقتصادی پایین‌تری دارند، شرایط نامطلوبی برای مشارکت زنان در زندگی سیاسی دارند، از جمله فقر که منجر به وابستگی

¹ Alexander, Bolzendahl and Jalalzai

² Inglehart and Norris

³ Ballington

⁴ WeDo

اقتصادی آنها به اعضای خانواده می‌شود، اغلب همراه با مراقبت ضعیف از کودکان، خدمات بهداشتی ناکارآمد و پایین بودن نرخ سواد. زنان در محاصره همه این موانع، نه انگیزه و اشتیاق دارند و نه منابع کافی برای ورود به عرصه سیاسی، صرفاً به این دلیل که به دلیل ملاحظات روحی، جسمی و مالی توانایی «استطاعت» ندارند. با این حال، مشارکت زنان در زندگی سیاسی را نمی‌توان تنها با تغییرات اجتماعی-اقتصادی در بین کشورها توضیح داد. به عنوان مثال، مشارکت زنان در برخی از کشورهای در حال توسعه بسیار بالا است، که نشان می‌دهد بهبود شرایط اجتماعی-اقتصادی اگرچه ممکن است به طور قابل توجهی به توانمندسازی زنان کمک کند، اما تنها ویژگی‌هایی نیستند که تفاوت‌ها را از نظر مشارکت سیاسی آنها توضیح می‌دهند (جاپاریدز، ۲۰۲۱).

در این راستا، تبیین‌های نهادی، مانند نظام انتخاباتی و سطح دموکراسی‌سازی، از رایج‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌هایی هستند که تنوع مشاهده‌شده در مشارکت زنان در سیاست را توضیح می‌دهند. در واقع، توافق قابل توجهی در ادبیات وجود دارد که ساختار نهادی نظام سیاسی برای نمایندگی جنسیتی در پارلمان‌های ملی اهمیت زیادی دارد. برای مثال، نمایندگی تناسبی (PR) از طریق فهرست‌های احزاب متناسب برای تسهیل مشارکت زنان در مقایسه با نظام انتخاباتی اکثریتی یا مختلط در نظر گرفته می‌شود. استدلال در مورد دموکراسی‌سازی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ای برای مشارکت زنان از یک منطق ساده پیروی می‌کند، که ادعا می‌کند کشورهای دارای ارزش‌ها و آرمان‌های دموکراتیک بیشتر به سمت برابری، ترویج آزادی‌های سیاسی و مدنی تمایل دارند، که زنان بیشتری را تشویق می‌کند تا برای یک منصب سیاسی شرکت کنند (اینگلهارت و نوریس، ۲۰۰۳).

به‌طور خلاصه، توانمندسازی زنان یک مفهوم چند وجهی است که در آن بعد سیاسی نقش مهمی را ایفا می‌کند. حمایت از مشارکت سیاسی زنان و تقویت عاملیت آنها برای تضمین تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و دستیابی به اهداف توسعه جهانی اساسی است. با این حال، دستیابی به این هدف توسط محیط به سرعت در حال تغییر و عوامل بی‌شماری که شکاف جنسیتی را از نظر دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع بیشتر می‌کند، مانع می‌شود. علی‌رغم تلاش‌های بین‌المللی و داخلی، یک روند رو به کاهش جهانی مشارکت زنان در نیروی کار (ایلوستات^۲، ۲۰۲۱) و همچنین حضور کم‌یاب زنان در عرصه سیاسی وجود دارد (زنان سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰).

¹ proportional representation

² ILOSTAT

روش تحقیق:

روش پژوهش حاضر کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (نیمه ساختمند) است. این نوع مصاحبه‌ها به این دلیل مناسب‌اند که نه مانند مصاحبه ساختاریافته دست و پای محقق را در تولید اطلاعات می‌بندد و نه مانند مصاحبه عمیق اطلاعات وسیع و گاه غیرضروری فراهم می‌سازد. این نوع مصاحبه نزدیکی و فاصله هم‌زمان و مناسب را با فضای ذهنی سوژه‌ها ممکن می‌کند (محمدپور، ۹۸:۱۳۹۰). جامعه آماری این پژوهش اساتید شاغل در دانشکده‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و حقوق، و نمونه آماری ۱۵ نفر از این اساتید می‌باشند. یک پروتکل مصاحبه که حاوی پنج سوال بود، تهیه گردید. سؤالات بدین شرح است:

✓ آیا توانمندسازی زنان می‌تواند وضعیت آنان را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی بهبود ببخشد؟

✓ کدام نهاد می‌تواند نقش زنان را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ارتقا دهد؟

✓ توانمندسازی زنان برای مشارکت بیشتر آنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به چه

نحوی می‌تواند باشد؟

✓ نقش نهادهای دولتی و غیردولتی در توانمندسازی زنان چیست؟

در پایان نیز از مصاحبه‌شوندگان درخواست گردید که چنانچه مطلب دیگری برای طرح

دارند اضافه کنند.

مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش

پاسخگویان	سن	جنسیت	تحصیلات
شماره ۱	۴۴	مرد	دکترای علوم سیاسی
شماره ۲	۴۲	زن	دکترای علوم سیاسی
شماره ۳	۴۲	مرد	دکترای علوم سیاسی
شماره ۴	۴۰	زن	دکترای علوم سیاسی
شماره ۵	۴۳	زن	دکترای علوم سیاسی
شماره ۶	۴۶	زن	دکترای حقوق عمومی
شماره ۷	۵۲	مرد	دکترای حقوق بین‌الملل
شماره ۸	۳۲	زن	دکترای حقوق بین‌الملل
شماره ۹	۴۴	مرد	دکترای جامعه‌شناسی

شماره ۱۰	۴۵	مرد	دکترای جامعه‌شناسی
شماره ۱۱	۴۶	مرد	دکترای جامعه‌شناسی
شماره ۱۲	۳۹	زن	دکترای جامعه‌شناسی
شماره ۱۳	۴۵	زن	دکترای جامعه‌شناسی
شماره ۱۴	۴۶	زن	دکترای جامعه‌شناسی
شماره ۱۵	۴۳	مرد	دکترای جامعه‌شناسی

با انجام این تعداد مصاحبه، تشخیص محقق این بوده است که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. در انتخاب این تعداد نمونه، مسائلی چون زمان، در دسترس بودن مصاحبه‌شوندگان و میزان همکاری آن‌ها مورد توجه بوده است. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، از تکنیک تحلیل تم استفاده شده است؛ وال^۱ (۱۹۹۶) به هفت مرحله در فرآیند مصاحبه اشاره می‌کند که در این پژوهش نیز این ۷ مرحله رعایت شده است:

۱- **تعیین موضوع:** در تحقیق کنونی، هدف اولیه از موضوع مورد بررسی، یعنی راهکارهای توانمندسازی زنان برای نقش‌آفرینی در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ مشخص شده و سپس مفاهیم مرتبط با آن به‌صورت نسبتاً تفصیلی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۲- **طراحی:** در تحقیق حاضر، پس از تعیین موضوع و انتخاب روش تحقیق مصاحبه، برنامه‌ریزی کلی انجام مصاحبه‌ها طراحی شد. در ابتدای این مرحله، تمرکز تحقیق به‌طور تفصیلی مشخص شده و با استفاده از روش طوفان مغزی، واژگان، عبارات، مفاهیم، سؤالات و موضوعاتی را که با تمرکز تحقیق رابطه داشتند تعیین شده‌اند. سپس نتایج حاصل از طوفان مغزی تحلیل شده و ایده‌های مشابه با همدیگر دسته‌بندی شده‌اند. این دسته ایده‌ها "مقوله‌های تحقیق" بالقوه هستند.

۳- **موقعیت مصاحبه:** در تحقیق کنونی، برای ورود به مصاحبه‌ها، کارهایی که پژوهشگر انجام داده است شامل معرفی شخصی، بیان هدف تحقیق، اظهار رازداری در مورد اطلاعات و توضیحی در این مورد است که چرا مصاحبه‌شونده برای این مصاحبه انتخاب شده است.

¹ Kvale

۴- **نسخه‌برداری (رونویسی کردن):**^۱ مطالب یادداشت‌برداری شده پس از درج اطلاعاتی چون عنوان مصاحبه، تاریخ انجام مصاحبه، شماره مصاحبه، شماره صفحه و نام مصاحبه‌شونده، با استفاده از نرم‌افزار ورد،^۲ نسخه‌برداری شده‌اند.

۵- **تحلیل:** در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از روش تحلیل تم^۳ استفاده شده است.

۶- **تأیید:** برای محاسبه پایایی، از پایایی بازآزمایی و روش توافق درون موضوعی استفاده شده است. برای تعیین اعتبار مصاحبه‌ها نیز، اعتبار هر کدام از مراحل هفت‌گانه مصاحبه بررسی شده است.

۷- **گزارشگری:**^۴ گزارشگری، فرآیند برقراری ارتباط میان یافته‌های مصاحبه با استفاده از روش‌های بکار گرفته شده بر اساس معیارهای علمی، لحاظ نمودن ملاحظات اخلاقی و در نهایت ارائه نتایج به‌صورت یک محصول نوشتاری است.

یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات میدانی و اعتبارسنجی آنها، تعداد ۳۲ کد اولیه شناسایی و پس از پالایش، به ۱۶ مقوله فرعی و بعد از آن به ۶ مقوله اصلی تبدیل شدند. در ادامه فرآیند کدگذاری تشریح می‌گردد. در این پژوهش تم‌های فرعی تحول و دگرگونی در روابط ساختاری نظام مردسالارانه، بهبود سیاست‌های حمایتی دولت، شبکه‌های حمایتی، به کارگیری دانش و اطلاعات نوین آموزشی، ارتقا سطح تحصیلات، آموزش عالی زنان، کسب مهارت و تخصص زنان، لزوم اجرای دقیق و صحیح قوانین موجود، رفع موانع قانونی حضور زنان از طریق اصلاح و بازنگری در قوانین کشور، ایجاد نهادهای مستقل با محوریت رسیدگی به امور و مسائل زنان، تخصیص اعتبارات لازم و تقویت نهادها، لزوم حمایت زنان از یکدیگر و ارتباط آنان در حوزه جمعی و کار داوطلبانه، توجه بیشتر به نقش رسانه‌ها، استفاده از وسایل ارتباط جمعی در جهت ارتقا مقام و جایگاه زنان در جامعه، استفاده از راهکارهای کشورهای موفق، بکارگیری بهینه

¹ Transcribing

² Word

³ Thematic Analysis

⁴ Reporting

از نتایج تحقیقات علمی انجام گرفته در حوزه توانمندسازی زنان و افزایش رقابت‌پذیری زنان به دست آمد. بعد از آن ۶ تم اصلی دولت حامی، آموزش نوین، اصلاح قوانین، نهادهای مدنی، همراهی رسانه‌ها و الگوگیری می‌باشد.

راهکارهای مؤثر بر توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و مدیریتی

تم اصلی	تم فرعی	
دولت حامی	تحول و دگرگونی در روابط ساختاری نظام مردسالارانه	بایستی نظام مردسالارانه تغییرات اساسی داشته باشد. روابط در بالادست‌ها مبتنی بر مردسالاری است و بایستی این روابط تعدیل شود. یک دولت می‌تواند قوانینی را وضع و اجرا کند که حقوق برابر برای زنان در نقش‌های سیاسی و مدیریتی را تضمین کند.
	بهبود سیاست‌های حمایتی دولت	کمپین‌های آگاهی‌بخشی دولت‌ها که نقش‌ها و کلیشه‌های سنتی جنسیتی را به چالش می‌کشد.
	شبکه‌های حمایتی	آگاهی اجتماعی و ارتقای شبکه‌های حمایتی. ارتقای مربیگری، تقویت شبکه‌های حمایتی، و ایجاد سیاست‌هایی که مشارکت زنان در رهبری را تسهیل می‌کند.
آموزش نوین	به‌کارگیری دانش و اطلاعات نوین آموزشی	ترویج تفکر انتقادی، افزایش آگاهی از حقوق و تقویت مهارت‌های رهبری با آموزش جدید. ارائه تجربیات عملی از طریق دوره‌های کارآموزی و برنامه‌های مربیگری.
	ارتقا سطح تحصیلات، آموزش عالی زنان	آموزش، آگاهی زنان را از حقوق مدنی و فرصت‌های سیاسی خود افزایش می‌دهد.
	کسب مهارت و تخصص زنان	آموزش مدرن تفکر انتقادی و مهارت‌های تحلیلی را تشویق می‌کند. در مؤسسات آموزشی زنان می‌توانند هنجارهای سنتی را به چالش بکشند، از حقوق خود دفاع کنند و دیدگاه‌های خود را به طور مؤثر بیان کنند.
		تجزیه و تحلیل تالاقی اصلاحات قانونی و

اصلاح قوانین	لزوم اجرای دقیق و صحیح قوانین موجود	توانمندسازی زنان، سهمیه‌بندی جنسیتی در نهادهای قانونگذاری، اصلاحات مربوط به قوانین انتخاباتی، حقوق مالکیت و دسترسی به آموزش.
	رفع موانع قانونی حضور زنان از طریق اصلاح و بازنگری در قوانین کشور	اصلاحات قانونی با هدف افزایش حقوق زنان، محیطی مساعد برای مشارکت فعال آنان در سیاست ایجاد می‌کند. ایجاد چارچوب‌های عادلانه، از بین بردن موانع، و ترویج شیوه‌های فراگیر.
نهادهای مدنی	ایجاد نهادهای مستقل با محوریت رسیدگی به امور و مسائل زنان	بایستی نهادهایی با محوریت زنان در امور سیاسی ایجاد شود. ایجاد انژیوهای مربوط به مشارکت های سیاسی زنان. بایستی مکان‌هایی مستقل برای رسیدگی به امور زنان ایجاد شود.
	تخصیص اعتبارات لازم و تقویت نهادها	تخصیص اعتبار توسط دولت برای انژیوهای مرتبط با زنان. تقویت و گسترش نهادهای مستقل زنان. کمک های مالی به نهادهای مربوط به زنان.
	لزوم حمایت زنان از یکدیگر و ارتباط آنان در حوزه جمعی و کار داوطلبانه	ایجاد نهادهایی به منظور حمایت زنان از زنان. ایجاد جلسات و حوزه های جمعی مخص زنان. ایجاد انگیزه کار داوطلبانه در زنان و ایجاد موقعیت های کار داوطلبانه.
همراهی رسانه ها	توجه بیشتر به نقش رسانه‌ها	ایجاد کمپین‌ها و برنامه‌های هدفمند در پلتفرم‌های رسانه‌ای.
	استفاده از وسایل ارتباط جمعی در جهت ارتقا مقام و جایگاه زنان در جامعه	این پلتفرم‌ها با ارائه اطلاعات، تقویت حمایت و ترویج پاسخگویی، زنان را قادر می‌سازند تا صدای خود و حقوق خود را در حوزه سیاسی مطالبه کنند.
	استفاده از راهکارهای کشورهای موفق	بررسی موفقیت‌های کشورهای توسعه یافته در زمینه مشارکت سیاسی زنان. استفاده از برنامه های توسعه سیاسی سایر کشورها.

الگوگیری		استفاده از منابع مورد استفاده کشورهای موفق در زمینه مشارکت سیاسی زنان.
	بکارگیری بهینه از نتایج تحقیقات علمی انجام گرفته در حوزه توانمندسازی زنان	نتایج تحقیقات سایر کشورهای موفق در این زمینه در دنیا می‌تواند کارساز باشد. استفاده از الگوهای علمی در مورد سیاست‌های متوازن و برابر در بین زنان و مردان.
	افزایش رقابت‌پذیری زنان	بایستی زنان در همه زمینه‌ها موقعیت رقابت با مردان را داشته باشند. ایجاد جایگاه‌های برابر برای ایجاد انگیزه رقابتی. الگو قرار دادن سایر کشورها در رقابت‌های سیاسی بین زنان و مردان.

تم‌های اصلی

- دولت حامی

در جامعه معاصر، توانمندسازی زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و مدیریتی برای دستیابی به برابری جنسیتی و تقویت توسعه پایدار بسیار مهم است. نقش یک دولت حامی در این زمینه بسیار مهم است، زیرا نه تنها چارچوب‌های قانونی و نهادی را ایجاد می‌کند که مشارکت زنان را تسهیل می‌کند، بلکه به‌طور فعال فرهنگ فراگیر را ترویج می‌کند که به تنوع در رهبری ارزش می‌دهد. اول و مهم‌تر از همه، یک دولت حامی می‌تواند قوانینی را وضع و اجرا کند که حقوق برابر برای زنان در نقش‌های سیاسی و مدیریتی را تضمین کند. این شامل تعیین سهمیه‌هایی برای نمایندگی زنان در مجالس قانونگذاری و پست‌های رهبری در بخش‌های مختلف است. با اجرای چنین اقداماتی، دولت می‌تواند تضمین کند که زنان نه تنها حضور دارند، بلکه در شکل دادن به سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نیز تأثیرگذار هستند. علاوه بر این، برای دولت ضروری است که منابع و برنامه‌های آموزشی را فراهم کند که زنان را برای نقش‌های رهبری آماده کند و به رفع موانعی که ممکن است مانع پیشرفت آن‌ها شود، کمک کند.

علاوه بر چارچوب‌های قانونی، دولت حامی تغییرات اجتماعی را از طریق کمپین‌های آگاهی‌بخشی که نقش‌ها و کلیشه‌های سنتی جنسیتی را به چالش می‌کشد، تشویق می‌کند. با ترویج اهمیت مشارکت زنان در تصمیمات سیاسی و مدیریتی، دولت می‌تواند به تغییر درک عمومی و

ایجاد محیطی که در آن صدای زنان مورد احترام و ارزش قرار می‌گیرد کمک کند. همچنین، یک دولت حامی باید ایجاد شبکه‌ها و پلتفرم‌هایی را که رهبران زن و رهبران مشتاق را به هم متصل می‌کند، و تسهیل مربیگری و همکاری را در اولویت قرار دهد. این شبکه‌ها می‌توانند حمایت و راهنمایی‌های لازم را برای زنان فراهم کنند تا پیچیدگی‌های چشم‌اندازهای سیاسی و مدیریتی را به‌طور مؤثر مرور کنند. به‌طور کلی نقش دولت حامی در توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و مدیریتی چند وجهی است. از طریق ایجاد چارچوب‌های قانونی، آگاهی اجتماعی و ارتقای شبکه‌های حمایتی، دولت می‌تواند مشارکت و نفوذ زنان را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. در نهایت، ایجاد محیطی که در آن زنان بتوانند در نقش‌های رهبری پیشرفت کنند، نه تنها برای برابری جنسیتی مفید است، بلکه برای پیشرفت کلی جامعه نیز ضروری است.

- آموزش نوین

در جامعه معاصر، توانمندسازی زنان در عرصه‌های سیاسی موضوعی است که اهمیت روزافزونی دارد. در میان عوامل مختلف مؤثر در این توانمندسازی، آموزش مدرن نقشی محوری دارد. آموزش و پرورش با ترویج تفکر انتقادی، افزایش آگاهی از حقوق و تقویت مهارت‌های رهبری، زنان را به ابزارهای لازم برای مشارکت قاطع در فرآیندهای سیاسی مجهز می‌کند. اولاً، آموزش مدرن تفکر انتقادی و مهارت‌های تحلیلی را تشویق می‌کند. این به زنان قدرت می‌دهد تا موقعیت‌ها و سیاست‌های سیاسی را به شیوه‌ای دقیق ارزیابی کنند و امکان تصمیم‌گیری آگاهانه را فراهم کند. مؤسسات آموزشی که بر تحقیق انتقادی تأکید دارند، محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن زنان می‌توانند هنجارهای سنتی را به چالش بکشند، از حقوق خود دفاع کنند و دیدگاه‌های خود را به‌طور مؤثر بیان کنند.

علاوه بر این، آموزش، آگاهی زنان را از حقوق مدنی و فرصت‌های سیاسی خود افزایش می‌دهد. برنامه‌های درسی که شامل بحث در مورد دموکراسی، حکومت‌داری، و مسئولیت‌های مدنی است، راه‌های موجود برای زنان را برای مشارکت فعال در سیاست روشن می‌کند. این دانش نه تنها فرآیندهای سیاسی را ابهام می‌کند، بلکه اعتماد به نفس را در زنان ایجاد می‌کند و آن‌ها را برای ایفای نقش‌های رهبری ترغیب می‌کند. همچنین، چارچوب‌های آموزشی مدرن اغلب با ارائه تجربیات عملی از طریق دوره‌های کارآموزی و برنامه‌های مربیگری، توسعه رهبری را ارتقا می‌دهند. چنین ابتکاراتی زنان را توانمند می‌سازد تا تجربیات دست اول را در محیط‌های سیاسی به

دست آورند و آن‌ها را با مهارت‌های لازم برای گذر از مناظر پیچیده سیاسی مجهز می‌کنند. علاوه بر این، این برنامه‌ها اغلب شبکه‌هایی را در میان زنان تقویت می‌کنند و جوامع حمایتی را ایجاد می‌کنند که مشارکت سیاسی را تشویق می‌کنند.

در نتیجه، آموزش مدرن به عنوان یک رکن اساسی در توانمندسازی زنان در عرصه‌های سیاسی عمل می‌کند. آموزش با افزایش توانایی‌های تفکر انتقادی، افزایش آگاهی از حقوق و توسعه مهارت‌های رهبری، زنان را قادر می‌سازد تا در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مشارکت فعال داشته باشند. تلاش‌ها برای ترویج شیوه‌های آموزشی فراگیر باید در اولویت قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که زنان به اندازه کافی در حوزه‌های سیاسی حضور دارند و در نهایت به نفع جامعه به‌عنوان یک کل است.

- اصلاح قانون

توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی، تعیین‌کننده حیاتی حکومت دموکراتیک و پیشرفت اجتماعی است. اصلاحات قانونی با ایجاد چارچوب‌هایی که برابری جنسیتی را ترویج می‌کند و مشارکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی را افزایش می‌دهد، نقش اساسی در این توانمندسازی ایفا می‌کند. تجزیه و تحلیل تلافی اصلاحات قانونی و توانمندسازی زنان، پتانسیل دگرگونی قوانین را بر هنجارهای اجتماعی و ساختارهای نهادی نشان می‌دهد.

اولاً، اصلاحات قانونی با هدف افزایش حقوق زنان، محیطی مساعد برای مشارکت فعال آنان در سیاست ایجاد می‌کند. قوانینی که دسترسی برابر به مناصب سیاسی را تضمین می‌کند، مانند سهمیه‌بندی جنسیتی در نهادهای قانونگذاری، نشان داده شده است که به‌طور قابل توجهی نمایندگی زنان را افزایش می‌دهد. چنین اقداماتی نه تنها به عدم تعادل تاریخی می‌پردازد، بلکه کلیشه‌های فراگیر را که نقش زنان در رهبری را تضعیف می‌کند، به چالش می‌کشد. در نتیجه، وقتی زنان از نظر قانونی به عنوان برابر در زمینه‌های سیاسی شناخته می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند و بر سیاست‌هایی تأثیر بگذارند که منعکس‌کننده علایق و نیازهای آن‌ها باشد.

علاوه بر این، اصلاحات قانونی می‌تواند به رفع موانعی که مانع مشارکت سیاسی زنان می‌شود، کمک کند. به عنوان مثال، اصلاحات مربوط به قوانین انتخاباتی، حقوق مالکیت و دسترسی به آموزش می‌تواند زنان را با فراهم کردن منابع و فرصت‌های لازم برای ورود به عرصه سیاسی،

توانمند کند. اصلاحات قانونی با حصول اطمینان از این‌که زنان از حمایت‌های قانونی و ابزارهای اجتماعی - اقتصادی برای مشارکت در سیاست برخوردارند، به عنوان یک کاتالیزور برای تغییر عمل می‌کند و نمایندگی و مشارکت بیشتر در گفتگوهای سیاسی را تسهیل می‌کند.

به علاوه، اجرای قوانینی که شفافیت، پاسخگویی و اقدامات ضد تبعیض را ترویج می‌کند، چشم‌انداز سیاسی را برای زنان بهبود می‌بخشد. چنین قوانینی فرهنگ انصاف و مسئولیت‌پذیری را در نهادهای سیاسی تشویق می‌کند و محیط‌های امن‌تر و حمایتی‌تری را برای مشارکت زنان در تصمیم‌گیری ایجاد می‌کند. این به نوبه خود، گفتمان سیاسی متنوع و نماینده‌تری را تقویت می‌کند، که برای انعکاس منافع جامعه گسترده‌تر ضروری است.

اصلاحات قانونی جزء لاینفک توانمندسازی زنان در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری است. اصلاحات قانونی با ایجاد چارچوب‌های عادلانه، از بین بردن موانع، و ترویج شیوه‌های فراگیر، نه تنها مشارکت زنان را افزایش می‌دهد، بلکه به حکومت‌داری قوی‌تر و نماینده‌تر کمک می‌کند. برای درک کامل پتانسیل زنان در سیاست، حمایت مستمر برای اصلاحات قانونی متفکرانه و تأثیرگذار ضروری است. سفر به سوی برابری جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ادامه دارد، اما ریشه محکمی در قدرت دگرگون‌کننده قانون دارد.

- نهادهای مدنی

توانمندسازی زنان در عرصه‌های سیاسی یک جنبه حیاتی برای دستیابی به برابری جنسیتی و تقویت حکومت دموکراتیک است. سازمان‌های جامعه مدنی (CSO) نقش مهمی در این فرآیند توانمندسازی دارند و به عنوان کاتالیزور برای تغییر عمل می‌کنند و از زنانی که به دنبال مشارکت در سیاست و فرآیندهای تصمیم‌گیری هستند، حمایت می‌کنند. یکی از وظایف اصلی سازمان‌های جامعه مدنی افزایش آگاهی در مورد حقوق زنان و ترویج سیاست‌های حساس به جنسیت است. این سازمان‌ها از طریق کمپین‌های حمایتی و برنامه‌های آموزشی، زنان را از حقوق سیاسی و اهمیت مشارکت آن‌ها در حکومت آگاه می‌کنند. با برجسته‌کردن چالش‌هایی که زنان در عرصه‌های سیاسی با آن روبرو هستند، سازمان‌های جامعه مدنی نه تنها فرهنگ فراگیری را تقویت می‌کنند، بلکه حمایت عمومی را برای طرح‌های برابری جنسیتی بسیج می‌کنند.

علاوه بر این، سازمان‌های مدنی اغلب برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی را ارائه می‌کنند که زنان را با مهارت‌ها و دانش لازم برای حرکت در چشم‌انداز سیاسی مجهز می‌کنند. این برنامه‌ها

حوزه‌های مختلفی از جمله مهارت‌های سخنرانی، رهبری و مذاکره را پوشش می‌دهند و زنان را قادر می‌سازند تا خود را با اطمینان در گفتمان سیاسی نشان دهند. سازمان‌های مدنی با ایجاد یک شبکه حمایتی قوی، زنان را برای به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی و مشارکت فعالانه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی توانمند می‌سازند.

علاوه بر حمایت مستقیم، سازمان‌های جامعه مدنی اغلب نقش مهمی در حمایت از تغییرات سیاستی ایفا می‌کنند که مشارکت زنان را در سیاست تسهیل می‌کند. این سازمان‌ها با تعامل با نهادهای دولتی و نهادی، برای از بین بردن موانعی که مانع مشارکت سیاسی زنان می‌شوند، مانند قوانین تبعیض‌آمیز و انگ‌های اجتماعی، تلاش می‌کنند. تلاش‌های آن‌ها به ایجاد محیطی توانمند که در آن صدای زنان شنیده می‌شود و ارزش‌گذاری می‌شود، کمک می‌کند.

درواقع سازمان‌های جامعه مدنی در توانمندسازی زنان در سیاست و تصمیم‌گیری سیاسی نقش اساسی دارند. آنها از طریق حمایت، آموزش و تلاش‌های ظرفیت‌سازی، به زنان کمک می‌کنند تا بر موانع مشارکت سیاسی غلبه کنند و از تغییرات سیستمی که برابری جنسیتی را ترویج می‌کنند، حمایت کنند. در حالی که جامعه به تکامل خود ادامه می‌دهد، همکاری بین زنان و سازمان‌های مدنی برای اطمینان از اینکه توانمندسازی سیاسی زنان همچنان در اولویت در دستور کار جهانی قرار دارد، ضروری است.

- همراهی رسانه‌ها

در جامعه معاصر، رسانه‌های جمعی و ابزارهای ارتباطی نقشی محوری در شکل دادن به مناظر سیاسی و تأثیرگذاری بر هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین کمک‌های این پلتفرم‌ها، توانایی آن‌ها در توانمندسازی زنان در عرصه‌های سیاست و تصمیم‌گیری است. نمایندگی و مشارکت زنان در فرآیندهای سیاسی برای دستیابی به برابری جنسیتی و تقویت حکومت فراگیر بسیار مهم است. اولاً، رسانه‌های جمعی به عنوان یک کانال حیاتی برای انتشار اطلاعات و افزایش آگاهی در مورد حقوق و مسائل زنان عمل می‌کنند. از طریق کمپین‌ها و برنامه‌های هدفمند، پلتفرم‌های رسانه‌ای می‌توانند موفقیت‌های رهبران زن را برجسته کنند و از این طریق الگوهایی را برای زنان سیاستمدار فراهم کنند. چنین نمایندگی حس عاملیت را تقویت می‌کند و زنان را تشویق می‌نماید تا فعالانه در گفتمان سیاسی شرکت کنند.

علاوه بر این، رسانه‌های اجتماعی شیوه اشتراک‌گذاری و بحث در مورد پیام‌های سیاسی را

متحول کرده است. اکنون زنان می‌توانند از این ابزارها برای بیان نظرات خود، بسیج حامیان و حمایت از تغییرات سیاستی استفاده کنند. پلتفرم‌های دیجیتال فضایی را برای جنبش‌های مردمی فراهم می‌کند و زنان را قادر می‌سازد تا در موضوعات مهم سیاسی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، سازماندهی و همکاری کنند. این دموکراتیک کردن ارتباطات به زنان اجازه می‌دهد تا ساختارهای قدرت سنتی را به چالش بکشند و حضور خود را در صحنه سیاسی تثبیت کنند.

رسانه‌های جمعی علاوه بر انتشار اطلاعات و حمایت، نقش مهمی در پاسخگو کردن رهبران سیاسی ایفا می‌کنند. روزنامه‌نگاری تحقیقی و گزارش‌های انتقادی می‌تواند سوگیری‌های جنسیتی و تبعیض را در سیستم‌های سیاسی آشکار کند و باعث ایجاد گفت‌وگو درباره نیاز به نمایندگی عادلانه شود. با روشن کردن موانعی که زنان در سیاست با آن روبرو هستند، رسانه‌ها می‌توانند حمایت عمومی را از سیاست‌هایی که دربرگیرندگی جنسیتی را ترویج می‌کنند، جلب کنند. در واقع رسانه‌های جمعی و ابزارهای ارتباطی در توانمندسازی زنان در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری مؤثر هستند. این پلتفرم‌ها با ارائه اطلاعات، تقویت حمایت و ترویج پاسخگویی، زنان را قادر می‌سازند تا صدای خود و حقوق خود را در حوزه سیاسی مطالبه کنند. همان‌طور که جامعه به تکامل خود ادامه می‌دهد، نقش رسانه‌ها در ترویج برابری جنسیتی برای ایجاد یک چشم‌انداز سیاسی نماینده‌تر و عادلانه‌تر، ضروری باقی خواهد ماند.

- الگوگیری

توانمندسازی زنان در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری برای تقویت حکمرانی فراگیر و دستیابی به توسعه پایدار ضروری است. مشاهده الگوهای موفق از کشورهای مختلف می‌تواند بینش‌ها و راهبردهای ارزشمندی را ارائه دهد که می‌تواند برای افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی اجرا شود. کشورهایی مانند رواندا و سوئد با چارچوب‌های تعیین شده برای توانمندسازی زنان، الگوهایی برای دیگران هستند. رواندا، پس از نسل‌کشی ۱۹۹۴، آگاهانه نمایندگی زنان را در اولویت قرار داد و در نتیجه تعداد نمایندگان زن در پارلمان افزایش چشمگیری داشت. از سال ۲۰۲۳، رواندا دارای بالاترین درصد زنان در یک قوه مقننه ملی در سطح جهان است و بیش از ۶۰ درصد نمایندگان را به دست آورده است. این دگرگونی با دستورات و سهمیه‌های قانون اساسی تسهیل شد، که می‌تواند سیاست‌های کشورهای دیگر را که به دنبال تقویت نقش‌های سیاسی زنان هستند، روشن کند.

به طور مشابه، سوئد نمونه‌ای از تعهد به برابری جنسیتی است که با سیاست‌های دولتی فعال که مشارکت زنان در سیاست، از جمله مرخصی والدین و مراقبت از کودکان یارانه‌ای را ترویج می‌کند، مشخص می‌شود. این ابتکارات محیطی مساعد برای مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری زنان ایجاد می‌کند. با تحلیل این رویکردهای موفق، کشورهایی که هدفشان ارتقای نقش زنان در سیاست است، می‌توانند استراتژی‌هایی را اتخاذ و تطبیق دهند که با زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی منحصربه‌فرد آن‌ها همسو باشد. علاوه بر این، اهمیت آموزش و آگاهی را نمی‌توان نادیده گرفت. ابتکاراتی که بر آموزش زنان در مورد حقوقشان و روند سیاسی متمرکز است حیاتی است. کشورهای موفق اغلب مطالعات جنسیتی را در سیستم‌های آموزشی خود ادغام می‌کنند و به نسل‌های آینده رهبران زن قدرت می‌بخشند. با سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و پرورش برنامه‌های مربیگری، کشورها می‌توانند یک چشم‌انداز سیاسی ایجاد کنند که در آن صدای زنان تقویت شود.

در پایان، نقش یادگیری از کشورهای موفق در توانمندسازی زنان در سیاست بسیار مهم است. ملت‌ها با بررسی و اجرای راهبردهای مؤثر مانند سهمیه‌بندی، سیاست‌های حمایتی و طرح‌های آموزشی می‌توانند مشارکت زنان را در گفتمان سیاسی و فرآیندهای تصمیم‌گیری به میزان قابل توجهی افزایش دهند. این نه تنها دموکراسی را تقویت می‌کند، بلکه نمایندگی عادلانه‌تری از جامعه را به عنوان یک کل تضمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

توانمندسازی زنان در حوزه تصمیم‌گیری سیاسی برای تقویت حکمرانی فراگیر و توسعه پایدار ضروری است. افزایش نمایندگی زنان در عرصه‌های سیاسی نه تنها تنوع دیدگاه‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه منجر به تدوین سیاست‌های عادلانه‌تر و جامع‌تر می‌شود. با ترویج مشارکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، جوامع می‌توانند به چالش‌های منحصربه‌فرد پیش روی زنان رسیدگی کنند و در نهایت به ایجاد یک چشم‌انداز سیاسی عادلانه‌تر و متعادل‌تر کمک کنند. اجرای استراتژی‌هایی که از رهبری زنان و مشارکت سیاسی حمایت می‌کند برای دستیابی به برابری جنسیتی و پیشبرد ارزش‌های دموکراتیک ضروری است.

پژوهش حاضر با هدف ارائه راهکارهای توانمندسازی زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران انجام شد. نتایج نشان داد که تحول و دگرگونی در روابط

ساختاری نظام مردسالارانه، بهبود سیاست‌های حمایتی دولت، شبکه‌های حمایتی، به کارگیری دانش و اطلاعات نوین آموزشی، ارتقا سطح تحصیلات، آموزش عالی زنان، کسب مهارت و تخصص زنان، لزوم اجرای دقیق و صحیح قوانین موجود، رفع موانع قانونی حضور زنان از طریق اصلاح و بازنگری در قوانین کشور، ایجاد نهادهای مستقل با محوریت رسیدگی به امور و مسائل زنان، تخصیص اعتبارات لازم و تقویت نهادهای، لزوم حمایت زنان از یکدیگر و ارتباط آنان در حوزه جمعی و کار داوطلبانه، توجه بیشتر به نقش رسانه‌ها، استفاده از وسایل ارتباط جمعی در جهت ارتقا مقام و جایگاه زنان در جامعه، استفاده از راهکارهای کشورهای موفق، بکارگیری بهینه از نتایج تحقیقات علمی انجام گرفته در حوزه توانمندسازی زنان و افزایش رقابت‌پذیری زنان تم-های فرعی به دست آمده است. بعد از آن ۶ تم اصلی دولت حامی، آموزش نوین، اصلاح قوانین، نهادهای مدنی، همراهی رسانه‌ها و الگوگیری به دست آمد.

بنابراین در حل مسئله توانمندسازی زنان و حضور فعال آن‌ها در عرصه‌های تصمیم‌گیری‌های کلان مدیریتی و سیاسی، آنچه اهمیت دارد، داشتن نگاهی فراگیر، همه‌جانبه و سیستمی است. زیرا توانمندسازی زنان مستلزم ابزارهای فردی، اجتماعی و قانونی می‌باشد. عدم بکارگیری زنان و محروم ماندن کشور از توانایی‌های نیمی از جامعه، به زیان خود نظام است. باید اذعان نمود که ورود زنان به عرصه‌های مختلف اجتماعی-سیاسی جز با وضع سیاستگذاری‌های اجتماعی فراگیر و همه‌جانبه حاصل نخواهد شد. لذا برای ارتقا جایگاه زنان در جامعه و توانمندسازی آنان پیشتر از هر چیز نیازمند تغییر در نگرش فرهنگی-اجتماعی جامعه هستیم. یادآوری می‌شود که یکی از شاخص‌های اساسی و مهم برای سنجش توسعه‌یافتگی هر کشوری وضعیت زنان و نوع نگرش به آنان است. زیرا که بلوغ سیاسی و اجتماعی آنان را می‌توان از برخورد و نحوه رفتار جامعه با زنان سنجید.

بنابراین با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش، می‌توان بر لزوم اهمیت سرمایه‌گذاری و اعمال سیاست‌های مناسب از سوی دولت پی برد. در واقع دولت می‌تواند با فراهم‌سازی بستر و زمینه‌های توانمندسازی زنان به حضور فعال و مؤثر آنان در سیستم و ساختار تصمیم‌گیری‌های سیاسی کمک شایانی نماید. همچنین با بکارگیری استراتژی‌های متنوع با توجه به شرایط و عوامل فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی متفاوت احتمال موفقیت برنامه‌های توانمندسازی زنان را افزایش دهد. در نتیجه، امروزه عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که به توانمندسازی زنان پرداخته شود. به همین سبب جامعه می‌بایست ضمن حذف ارزش‌ها و انگاره‌های منفی، تغییر و بهبود سیاست

دولتی، اراده اجرای قوانین و بازنگری و اصلاح قوانین مربوطه، استفاده از وسایل ارتباط جمعی در جهت بالا بردن سطح آگاهی، افزایش تحصیلات و بکارگیری روش‌های نوین و برنامه‌های آموزشی طراحی شده، ورود به عرصه اشتغال و اصلاح حقوق کار، افزایش بسترهای روابط انجمنی و سازمان‌های مردم‌نهاد (تقویت شبکه‌ها و نهاد های اجتماعی)، بهره‌گیری از زنان در امور مدیریتی و ارتقا خدمات بهداشتی و سلامتی زنان، زمینه‌ی جبران تبعیض‌ها و نابرابری‌ها را فراهم آورد و به توانمندسازی زنان رنگ تازه‌ای بخشید زیرا که توانمندسازی زنان و حضور فعال و مؤثر آنان در تمامی عرصه‌ها، در واقع سرمایه‌گذاری برای نسل‌های آینده محسوب می‌شود.

پیشنهادهای پژوهشی

- شناسایی موانع مشارکت زنان در سیاست
- مطالعات موردی رهبران زن موفق و تجربیات زنان سیاستمدار
- ارزیابی اثربخشی سیاست‌های طراحی‌شده برای ارتقای برابری جنسیتی در نمایندگی سیاسی
- تحقیقاتی برای بررسی تأثیر مشارکت زنان بر پیامدهای سیاست
- بررسی نقش مربیگری سیاسی و شبکه‌ها در توانمندسازی زنان
- مقایسه‌های بین‌فرهنگی درمورد توانمندسازی سیاسی زنان

منابع

- ابطحی، صفی‌ناز السادات (۱۳۹۴). توانمندسازی زنان و مشارکت سیاسی در ایران (مطالعه موردی؛ دوره جمهوری اسلامی ایران)، سیاست، ۲(۷)، ۸۲-۶۵.
- اخوندی، مهدیه؛ حبیب پور گتابی، کرم و حضرتی صومعه، زهرا (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی مشارکت سیاسی زنان شهر تهران بر اساس نظریه زمینه‌ای، زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۴)، ۸۳۷-۸۶۶.
- حیدری، زهرا؛ کشاورز شکری، عباس؛ غفاری هاشجین، زاهد و مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۷). موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی؛ (مطالعه موردی: زنان نماینده مجلس، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۴(۱)، ۹۴-۶۳.
- حیدری ساریان، وکیل (۱۴۰۰). تحلیل اثرات توانمندی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان تبریز)، جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، ۱۹(۱)، ۱۴۵-۱۷۵.
- ساعی ارسى، ایرج؛ ولی‌پور، شهربانو (۱۳۸۸). شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان)، علوم رفتاری، ۲۱(۲)، ۱۰۱-۶۷.
- قاسمی، حاکم؛ معالی، فاطمه (۱۳۹۳). عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۱)، ۱۵۶-۱۲۳.
- قاسمی، مهدیه؛ وثوقی، لیلا (۱۳۹۳). اکوتوریسم و توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستای شیب‌دراز، جزیره قشم)، زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۴)، ۶۱۰-۵۹۳.
- کشاورزی، فهیمه؛ شمشیری، بابک (۱۳۹۹). الگوی کاربردی توسعه‌ی توانمندسازی زنان جامعه‌ی ایرانی: یک پژوهش ترکیبی، زن در توسعه و سیاست، ۱۸(۳)، ۴۸۴-۴۶۳.
- میزگرد ایرنا (۱۳۸۹). نقش زنان در توسعه سیاسی، قسمت دوم؛ مشارکت سیاسی زنان در چمברה سیاست «یک گام به پیش، دو گام به پس»، قابل دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83430695/>
- نیکوقدم، مسعود؛ قلی‌زاده امیرآباد، محدثه؛ خوشنودی، عبدالله (۱۳۹۷). بررسی تأثیر توانمندسازی زنان بر توسعه‌ی دموکراسی، زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۴)، ۶۴۰-۶۲۱.
- Buzan, Barry. Ole Wæver, and Jaap de Wilde. 1998. *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, Co: Lynner, 1.
- Ahmad, Akhlaq; Khalid Mahmood, Qaisar; Saud, Muhammad; Mas'udah, Siti. (2019). Women in Democracy: The political participation of women Perempuan dalam Demokrasi: Partisipasi politik Perempuan. Masyarakat, Kebudayaan dan Politik Vol. 32, Issue 2, 2019, 114-122.

- Alexander, Amy C., Catherine Bolzendahl, and Farida Jalalzai. 2016. "Defining women's global political empowerment: Theories and evidence." *Sociology Compass* 10, no.6 432-441.
- Ballington, Julie. 2003. "Gender equality in political party funding." *Funding of Political Parties and Election Campaigns*, December 16: 157-168.
- Dunkin, R. (2000). Using Phenomenography to Study Organizational Change. In J.A. bawden & E. Walsh, (eds). *Phenomenography*. (PP.137-152) Melbourne: RIMIT University Press.
- Gonzalez-Malabet, Maria. (2023). Women's Political Participation through Social Movements and Nongovernmental Organizations: The Case of Compromiso Ciudadano in Medellín, Colombia. *Social Politics: International Studies in Gender, State & Society*, 30(1), 93–114, <https://doi.org/10.1093/sp/jxac031>.
- Hanmer, Lucia, and Jeni Klugman. 2016. "Exploring Women's Agency and Empowerment in Developing Countries: Where Do We Stand? *Feminist Economics* 22, no. 1 (2016): 237-63." *Feminist Economics* 22, no. 1 237-63.
- ILOSTAT. 2021. Accessed August 12, 2021. <https://ilostat.ilo.org/topics/women/>.
- Inglehart, Ronald, and Pippa Norris. 2003. *Rising Tide: Gender Equality and Cultural Change Around the World*.
- Inter-Parliamentary Union. 2021. IPU Parline. Accessed May 7, 2021. <https://data.ipu.org/womenaverages?month=4&year=2021>.
- Japaridze, Ana. (2021). WOMEN'S POLITICAL EMPOWERMENT FROM THE INTERNATIONAL ASSISTANCE PERSPECTIVE A Quantitative Large-N Study of ODA Recipient Countries. Master's Programme in International Administration and Global Governance.
- Muhammed, Muhammed Hamid; Ayenalem, Abebe Yirga. (2023). Women's political participation at the local level in Ethiopia: Does number really matter? . *Cogent Social Sciences* (2023), 9: 2218720, <https://doi.org/10.1080/23311886.2023.2218720>
- Mahbub, Mahbub. (2021). Women Empowerment; theory, practice, process and importance. *Gender and Politics in Bangladesh*, 1-9.
- Noriss, Pippa (2001). *Count Every Voice: Democratic Participation Word wide*, Manuscript available from: [http:// www.pippanorris.com](http://www.pippanorris.com) (March 13, 2001).
- Palmer, B., & Simon, D. (2018). *Breaking the glass ceiling of women's politics and parliamentary elections*. Translated by: Z. Pishgahifard &

M. Zahdigharpour. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)

Sundström, Aksel, Pamela Paxton, Yi-ting Wang, and Staffan I. Lindber. 2015. "Women's political empowerment: A new global index, 1900–2012." University of Gothenburg, Varieties of Democracy Institute, Working Paper (WP) 19.

UN Woman. 2021. UN Woman. January 15. Accessed May 7, 2021. https://www.unwomen.org/en/what-we-do/leadership-and-political-participation/facts-andfigures#_edn1.

WeDo. 2007. "Women Candidates and Campaign Finance." Women's Environment and Development Organization, December: 1-31.